

متن پرسش

بسمه تعالی اسم رمز : پسرهادی با سلام خدمت استاد گرامی شما و شاید بتوان گفت تمام افرادی که به غلط بودن مبانی و عقایدی که منجر به پیدایش روح تکنیک و به تبع آن تکنولوژی شده است ، اذعان دارند معتقد هستند که من باب اکل میته باید فعلا استفاده کرد . خوب متفکرشید سید مرتضی آوینی می گفت استفاده نکردن از غرب تسلیم در برابر غرب است . شما می گوید ما نمیخواهیم گاندی باشیم و ... و همگی قائل به امکان تسخیر تکنولوژی هستید . حال سوال من اینجاست . شهید آوینی برای اینکه تابوی عدم امکان تسخیر تکنولوژی را بشکند دوربین به دست گرفت و به قول دوست و دشمن دوربین را تسخیر کرد . شاید برای هر متفکری چنین عملکردی بتوان پیدا کرد. اما مسئله این است که در حوزه هایی بسیار پیچیده تر از فیلم سازی با یک دوربین و یک دستگاه تدوین ، مثل صنایع های-تک ، ما مجبور هستیم که تماما مثل غربی ها عمل کنیم . البته من اصراری روی این موضوع ندارم . بلکه می خواهم شما من را روشن کنید که چطور ممکن است ما فضایی بسازیم و به فضا بفرستیم بدون این که این موارد اتفاق نیفتد : ۱- یک انسان متخصص شیمی که میتواند ترکیبات سوخت جت را بدست بیاورد سالهاست که از تمامی ابعاد وجودی خود باز مانده و با اراده ای پولادین فقط تحقیق و پژوهش کرده . حالا ما با یک مهندس بسیار عالی و قابل اطمینان و در عین حال انسانی بدون خدا و ملکوت مواجه هستیم . ۲- مهندسان مکانیک و مهندسی شیمی و برق و نساجی و مواد و که آن ها نیز همینطور روحشان از رشد باز مانده و البته تفاوتشان با آن شیمیدان این است که این ها چون با نتیجه کار بیشتر سر و کار دارند کمتر متوجه غفلتشان از ملکوت می شوند . ۳- دانشگاهی که این ها را تربیت می کند هر سال تعدادی خودکشی درون خود دارد که بعضا ناشی از پوچی مفرضی است که گریبانگیر مهندسان می شود . شکست عشقی نخورده اند که در زندگی بی هدف شده باشند. ۴ ۵ حال شما بگوئید ما چه تصرفی در این فضاپیما و پروسه ساخت آن کرده ایم و یا می توانیم بکنیم که هزاران انسان به فنا نروند ؟ این صرفا یک مثال است . ممکن است بگوئید من در حوزه هوا فضا متخصص نیستم که نظر دهم در این صورت پیرو سوال دوم پاسخ من این خواهد بود که فضای فکری شما اصلا به کسی اجازه نمی دهد در حوزه هوافضا متخصص باشد که بعد بخواهد در آن تصرف کند . با عرض مهذرت از صراحت لهجه صرفا به خاطر آزادمنشی شما و بحث به شیوه طلبگی این طور صحبت کردم. ومن الله توفیق پسر هادی(۳)

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: همین‌طور که می‌فرمایید مرحوم شهید آوینی به چیزی رسیده بود و آن عالم جبهه‌ها بود که با فراهم‌شدن شرایط بروز آن عالم، دوربین را تسخیر کرد تا متذکر آن عالم باشد. مثل مولوی که به معارفی دست یافته بود که با فراهم‌شدن زمینه‌ی بروز آن توسط شعر، آن معارف را در قالب این اشعار بروز داد. از محتوای اشعار مثنوی بر می‌آید که مولوی سال‌ها به دنبال قالبی بوده که آن معارف را ظهور دهد و قالب شعر برای او منکشف شد. حال سؤال این است وقتی شما رسیدید به این‌که به جای رابطه‌ی ملکوتی با ملکوت انسان‌ها فرهنگ غرب رابطه با جسم و صورت و تصویر انسان‌ها را قرار داده و موبایل و فضایما و هواپیما می‌سازد تا همان رابطه‌ی مادی را تسریع کند. آیا منتظر نیستید تا شرایطی فراهم شود تا انسان‌ها بتوانند آزاد از ارتباط‌های مادی، با ارتباط با ملکوت انسان‌ها از طریق ارتباط با ملکوت عالم، زندگی خود را معنا کنند؟ و بنده این را در کتاب «سلوک ذیل شخصیت امام خمینی» رضوان‌الله تعالی‌علیه» شرح داده‌ام که تفاوت این دو ارتباط در کجا است و چرا ما گرفتار ارتباط‌های صوتی و تصویری از راه دور شدیم. عمده آن است که ما از یک طرف نباید از شرایط موجود غافل شویم و از طرف دیگر نباید از تحقق تمدنی که مافوق این تمدن است نا امید باشیم. وقتی در روایات داریم یاران حضرت مهدی «عجل‌الله تعالی فرجه» از شرق عالم غرب عالم را می‌بینند مسلم نظر به اینترنت ندارد چون استفاده از اینترنت منحصر به یاران حضرت نیست، بلکه نظر به تمدنی است ملکوتی. همچنان وقتی که می‌فرماید: زمین زیر پای یاران مهدی «عجل‌الله تعالی فرجه» می‌پیچد به ماشین و هواپیما نظر ندارد. موفق باشید